

تواب نظام و مرگ تواب (1)

سوء قصد به تواب نظام یا سناریوی جدید کودتاجیان

[ایرج مصداقی]



در اخبار آمده است «ساعاتی بعد از تشکیل دادگاه (۱) روزنامه کیهان که «سگ درگاه ولایت» (۲) حسین شریعتمداری حرف چندانی در برابر شاکیان این روزنامه نداشت و به جای دفاع حقوقی به آسمان و ریسمان بافتن پرداخت، ناگهان تواب «دوآتشه» پیام‌فضلی نژاد، نورچشمی مدیرمسئول کیهان مورد سوء قصد قرار گرفت. اخبار مربوط به این سوء قصد در سایت های وابسته به دولت و کودتاجیان آب و تاب زیادی یافت اما دیگران آن را جدی نگرفتند. در این نوشته سعی می‌کنم از دو منظر به موضوع سوء قصد پردازم.

به گزارش برنا، پیام فضلی نژاد در حالی که برای خرید کتاب، در حوالی خیابان فلسطین حضور یافته بود، مورد حمله ی **هفت موتور سوار قرار گرفت** و به بیمارستان فیروزگر تهران منتقل شد.

<http://www.parcham.ir/vdcb.fbzurhb98iupr.html>

روزنامه کیهان در تشریح سوء قصد و تعداد ضاریان نوشت:

«پیام فضلی نژاد نویسنده متعهد روزنامه کیهان یکشنبه شب هدف حمله افرادی ناشناس قرار گرفت و به شدت مجروح

شد. به گزارش خبرنگار اعزامی کیهان به محل حادثه، فضلی نژاد ساعت 8/35 دقیقه یکشنبه شب در حالی که در خیابان فلسطین جنوبی در حال حرکت بود مورد هجوم **دو موتورسوار** قرار گرفت و این افراد با **کارد سر و گردن وی را شدیداً مجروح کردند.**»

<http://khabarnamehiran.persianblog.ir/post/4567>

سناریو نویسان به توافق نرسیدند که سوءقصد کنندگان را چند نفر معرفی کنند. برنا نیوز به خاطر اهمیت عدد «هفت» در فرهنگ فارسی تعداد آنها را هفت موتور سوار گزارش می کند. «فاش نیوز» از «چند موتو سوار» خبر می دهد و مدیرمسئول کیهان که تجربه ی بیشتری در این امور دارد متوجه ی حماقت برنا نیوز شده و تعداد آنها را به دو موتور سوار تقلیل می دهد.

چرا که تا پیش از این مدعی بودند تعداد مردم معترض در تظاهرات های خیابانی گاه از چند ده نفر هم تجاوز نمی کرده و حالا برای سوءقصد به جان یک عامل وامانده و مفلوک رژیم هفت موتورسوار در قلب تهران بسیج می کنند که اگر یکی از آنها گیر افتاد پای بقیه را نیز به میان کشد!

مدیرمسئول کیهان که از سال ۶۰ در امر بازجویی و شکنجه و سرکوب بوده به خوبی می داند با توجه به جو نظامی حاکم بر تهران آنها هم در محدوده ی مرکزی شهر تنها پاسداران و بسیجی های وحشی هستند که می توانند بدون هراس از دستگیری بصورت «گله ای» حرکت کرده و به افراد مورد نظر حمله کنند.

کیهان در گزارش خود خبر از زخم های عمیق می دهد:

«در حالی که **زخم های فضلی نژاد بسیار عمیق شده بود**، مردم با مشاهده این صحنه به سمت ضاربان هجوم آوردند و آنها با دیدن این صحنه بلافاصله متواری شدند. فضلی نژاد در حالی که خون زیادی از او رفته بود **توسط مردم به بیمارستان رسانده شده** و بلافاصله تحت مداوا قرار گرفت. پزشکانی که خبرنگار کیهان با آنها سخن گفته عقیده دارند اگر وی فقط چند دقیقه دیرتر به بیمارستان رسیده بود، دیگر امکان مداوای او وجود نداشت. این پزشکان تاکید کردند فضلی نژاد در ساعات اولیه حس سمت چپ بدنش را از دست داده بود ولی به تدریج و با مداوای انجام شده توانست حالت طبیعی خود را بازیابد. همچنین شدت

ضربات وارده به حدی بوده که حدود 20 بخیه مورد استفاده قرار گرفته است. «

<http://khabarnamehiran.persianblog.ir/post/4567>

در گزارش خبرگزاری فارس و عکس منتشر شده از فضلای نژاد، نشانی از «زخم‌های بسیار عمیق» دیده نمی‌شود:

«یکی از نزدیکان پیام فضلای نژاد با اعلام این خبر به فارس گفت که این روزنامه نگار و عضو دفتر پژوهش‌های کیهان در این حمله از ناحیه سر مورد اصابت يك شىء تیز از سوی افراد ناشناس قرار گرفت. این حادثه ساعت 21 شب گذشته در تقاطع بلوار کشاورز و خیابان فلسطین رخ داد و پس از حضور اورژانس در محل حادثه فضلای نژاد به بیمارستان فیروزگر تهران انتقال یافت.»

سایت رجانیوز، خبر را از قول سایت «صراط» انتشار داد و مدعی شد فضلای نژاد که

«شدیدا از ناحیه سر مصدوم شده بود نهایتاً در نخستین ساعات امروز به بیمارستان بقیه الله تهران منتقل میشود تا عملیات تخصصی پزشکی بر روی وی انجام گیرد.»

<http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=2377>

انتقال وی به بیمارستان بقیه الله که تحت کنترل سپاه پاسداران است آن هم در ساعت ۳ بامداد در حالی که خطر جانی رفع شده بود کمی شک برانگیز است. کیهان مدعی است فضلای نژاد توسط مردم به بیمارستان رسانده شد و خبرگزاری فارس از «حضور اورژانس» در محل خبر می‌دهد.

کیهان و فضلای نژاد از «کارد و قمه» سخن به میان می‌آورند و یکی از نزدیکان پیام فضلای نژاد از «اصابت يك شىء تیز» سخن می‌گوید.

با آن که اخبار و تنها عکس انتشار یافته از پیام فضلای نژاد حاکی از بیهوشی وی بود خبرنگار کیهان غروب روز دوشنبه موفق شد با فضلای نژاد گفت و گو کند. فضلای نژاد که به سختی سخن می‌گفت، در ابتدا اظهار داشت:

«من در برابر خیل عظیم مردم مومن و متدین برای خود هیچ شأنی قایل نیستم و از خیل انبوه ابر از احساسات دوستان و پیگیری‌های آنها تشکر می‌کنم.»

<http://khabarnamehيران.persianblog.ir/post/4567>

فضلی نژاد در ادامه مدعی شد:

«عرصه‌ای که من در آن می‌جنگم عرصه جنگ نرم است و بیش از 3/5 سال است که انبوهی از تهمت‌ها و ترور شخصیت‌ها علیه من انجام شده است.»

<http://khabarnamehيران.persianblog.ir/post/4567>

وی در پایان نتیجه‌گیری کرد:

«تنها کاری که من کرده‌ام انتشار يك سری ستون و نوشته‌ها بوده و نمی‌دانم آیا پاسخ این اقدامات **مضروب شدن با چاقو و قمه است**؟!»

<http://khabarnamehيران.persianblog.ir/post/4567>

وحید یامین‌پور گرداننده مصاحبه‌های تلویزیونی صدا و سیما که به دروغ از وی به عنوان دکتر یاد می‌شد در وبلاگ خود می‌نویسد:

«امروز صبح زود پیامکی آمد به این شرح : **«پیام فضلی نژاد ترور شد»!** پیام کوتاه و بهت‌آور بود . تماس‌های من شروع شد . خدا رو شکر پیام زنده است ... در بیمارستان است... خودم را با یک دسته گل به بیمارستان رساندم . **چشم اش که به من افتاد با اسم صدایم زد** . این یعنی اینکه ذهن و زبان پیام روبراه است؛ پس پیام زنده است ... به کوری چشم خشونت‌گرایان! پیام را با کارد زده بودند ... بریده بریده اما با لبخند ماقوع خیابان فلسطین را در شامگاه یکشنبه برایم شرح داد . **یک ضربه ی کارد روی قسمت سر، کمی بالاتر از گردن، دیگری روی کتف و دست و...** . او را چند متری روی زمین کشیده بودند؛ مردم نجاتش داده بودند از دست ...؟!...»

<http://kistiema.blogfa.com/post-62.aspx>

فضلی نژاد که بیهوش معرفی می شد ظاهراً «بیهوش» بوده و به درد دل با دوستان نیز پرداخته است.

خبرگزاری فارس ارگان کودتاچیان تلویحاً «**سران فتنه و گروه های مخالف نظام**» را مسئول سوء قصد مزبور معرفی کرد:

«پیام فضلی نژاد روزنامه نگار و عضو دفتر پژوهش های کیهان است که با نگارش کتاب «شوالیه های ناتوی فرهنگی» به عنوان یکی از پرفروش ترین کتاب های سیاسی پرده از جریانات برانداز و عناصر وابسته به **بیگانه در جبهه اصلاحات برداشت و در حوادث پس از انتخابات نیز اقدام به افشاگری هایی در خصوص سران فتنه و گروه های مخالف نظام کرد.**»

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8812030001>

با این حال سایت برنا نیوز، جهان نیوز، رجا نیوز، صراط، پرچم و ... هنوز تصمیم نگرفته اند که چه کسی را مسئول نهایی این سوء قصد معرفی کنند به همین خاطر از هر دری سخن می گویند:

«مطابق آخرین برآوردهای انتظامی، ضاربین به قصد کشتن «پیام فضلی نژاد» وارد این عملیات تروریستی شده بودند؛ با خبری رژیم صهیونیستی از ماجرا، گمانه وابستگی تروریستها به رژیم صهیونیستی را قوت بخشیده است.»

<http://jahannews.com/vdcbgwb9.rhbzwpuur.html>

یا

«... مطابق آخرین برآوردهای انتظامی، ضاربین به قصد کشتن فضلی نژاد وارد این عملیات تروریستی شده بودند و احتمالاً دارای وابستگی های سیاسی به جریان های هستند که طی ماه های اخیر در اقدامات مشابهی دست به عملیات تروریستی علیه نظام زده اند.»

<http://jahannews.com/vdcbgwb9.rhbzwpuiur.html>

سایت «فاش نیوز» مدعی شد:

«هنوز از ماهیت سوء قصد کنندگان خبری منتشر نشده است اما سایت های ضد انقلاب از ترور وی اظهارخوشنودی کرده اند و منوشه امیر صهیونیست معروف نیز از این اقدام ابراز خوشحالی کرده است.»

<http://fashnews.ir/archive/news/22-news/4051-2010-02-22-15-54-57.html>

بالاخره معلوم نیست «رژیم صهیونیستی» مبادرت به این ترور کرده است یا «سران فتنه و گروه های مخالف نظام» یا جریان هایی که «طی ماه های اخیر در اقدامات مشابهی دست به عملیات تروریستی علیه نظام زده اند.»

محمد علی رامین معاون مطبوعاتی وزرات ارشاد سراسیمه به دیدار از فضلی نژاد شتافته و «منافقان» را عامل سوء قصد معرفی کرد:

«این حادثه بیانگر این است که منافقان و دشمنان نظام از ترور فکری و شخصیتی نیروهای انقلابی ناامید شده و به ترور اشخاص روی آورده اند... افرادی که منادی شعار آزادی بیان بودند، اکنون با این عمل خود، چهره واقعی خویش را نشان دادند... منافقان امروز مجبور شدند، نقاب از چهره نفاق خود بردارند و به جان یک نویسنده و روشنفکر بیافتند و همین اقدام آنها، بر پایان کار آنان حکایت دارد... این رفتار منافقان، حقانیت پیام های، نویسندگان و روشنفکران انقلابی مانند پیام فضلی نژاد را بر همگان آشکار کرد.»

<http://www2.irna.ir/fa/news/view/menu-273/8812034272114305.htm>

پارلمان نیوز ارگان اقلیت مجلس شورای اسلامی که دست رقا را خوانده در گزارش خود خواستار دخالت نیروهای امنیتی و مشخص کردن «زوایای پنهان» ماجرا شد:

«ورود فوری و قاطع دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی به این قضیه و شناسایی ضارب یا ضاربان احتمالی قطعاً می تواند «زوایای پنهان» این سوءقصد که ساعاتی بعد از ناکامی کیهان در دادگاه صورت گرفت را آشکار کنند.»

<http://www.parlemannews.ir/?n=8760>

کیهان در واکنش به درخواست «پارلمان نیوز» تکلیف نه ایی سوءقصدکنندگان را مشخص کرد:

«گزارش سایت پارلمان نیوز به وضوح نشان می دهد که اولاً؛ سران فتنه از دفاعیات کیهان در دادگاه به شدت عصبانی هستند و ثانیاً؛ سوءقصدکنندگان به جان نویسنده کیهان که به قول پارلمان نیوز در پی انتقام بوده اند، به **احتمال بسیار زیاد وابسته به جریان سبز بوده اند.**»

<http://www.kayhannews.ir/881204/2.htm#other206>

داستان سوءقصد به پیام فضلی نژاد سر دراز دارد . این موضوع اولین بار نیست که مطرح می شود. او پس از افشای همکاری اش با سعید مرتضوی در بازجویی و شکنجه ی وبلاگ نویسان (در دیماه ۸۲) و اخراجش از قوه قضاییه به دستور هاشمی شاهرودی، مدعی شد که گروهی در مسیر منزل قصد داشته اند او را ترور کنند. ادعای مزبور و استفاده از عنوان معاون دادستان موجب دستگیری فضلی نژاد شد. تحقیقات بعدی نشان داد که داستان ترور ساخته و پرداخته خود او بوده است. با این حال وی به دستور مقامات قضایی و دست های پشت پرده آزاد شد و اقدام به خودکشی نمایشی کرد که ظاهراً در یکی از بیمارستان های تهران از مرگ نجات یافت ! چنانچه سوءقصد مزبور واقعیت داشته باشد و سناریوی جدیدی از سوی کودتاچیان نباشد از نظر من فضلی نژاد خود زمینه ی سوءقصد مزبور را فراهم کرد و می بایستی درس عبرتی برای او و دیگر توابان نظام و توجیه گران جنایات رژیم باشد.

او که نمایندگی سیاه ترین باندهای رژیم در زمینه ی فرهنگی را به عهده داشت عاقبت به فرمان «پدرخوانده»ی همان باندها مورد

هجوم قرار گرفت. از نظر «پدرخوانده»، مرگ با زخمی شدن او بیشتر می‌توانست در خدمت باندهای سیاه باشد تا نفس کشیدن‌اش. به ویژه که او حرف‌های زیادی در مورد ترورهای اخیر زده بود و «پدرخوانده» می‌توانست او را نیز به عنوان قربانی جلوه دهد. با توجه به سرنوشت سعید امامی و همسرش هیچ بعید نیست چنانچه لازم افتد حسین شریعتمداری ولی نعمت پیام‌فضلی نژاد نیز «واجبی‌خور» شود یا به بلای دیگری مبتلا شود.

به اظهارات فضلی نژاد پس از ترور دکتر مسعود علی محمدی توجه کنید:

« امکان تکرار این نمونه‌ها در ایران نیز وجود دارد و لذا بر اساس تجربه تاریخی باید هوشمندانه، مراقب اقدامات **تروریستی روشنفکران لیبرال بود** . وی با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در نماز جمعه 29 خرداد 1388 گفت: تا امروز چند ترور مشکوک صورت گرفته است که یکی **از آن‌ها ترور خواهرزاده موسوی بود که بالاخص شخص میرحسین موسوی مسوول آن بود و باید به این سبب تحت تعقیب کیفری قرار گیرد.** فضلی‌نژاد ادامه داد: **ترور مشکوک دیگر، قتل ندا آقاسلطان بود که باز هم موسوی، محمد خاتمی و مهدی کروبی مسوول آن بودند و باید محاکمه شوند** . سران‌فتنه مسوول خون‌تمامی جانب‌باختگان و آسیب‌دیدگان حوادث پس از انتخابات هستند. »

<http://goftemanedaneshgah.blogfa.com/post-111.aspx>

وی سپس با کد آوردن از خامنه‌ای، تسهیلات لازم برای قربانی شدن خود را فراهم کرد:

«برای نفوذی تروریست ... چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که می‌خواهند راهپیمایی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آن‌وقت مسئولیتش با کیست؟ ... تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند و ... محاسبه‌ی این واکنش‌ها با کیست؟ ... دل انسان خون می‌شود از این حوادث ... من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند . این روش، روش درستی نیست . اگر

خاتمه ندهند، آن وقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده‌ی آنهاست.»

<http://goftemanedaneshgah.blogfa.com/post-111.aspx>

فضلی‌نژاد در ادامه مدعی شد:

«چون ترورهای آکادمیک نیز از حیث مبنایی، از همان جنس ترورهای حین اغتشاشات هستند . یک هدف گذاری استراتژیک امنیتی را دنبال می کنند، اما در روش با یکدیگر متفاوت هستند. ترکیبات و آثار صوری آن ها فرق می کند، اما در غایت با هم اشتراک دارند.»

<http://goftemanedaneshgah.blogfa.com/post-111.aspx>

فضلی‌نژاد همچنین در پژوهش خود تحت عنوان «تئور برای دموکراتیزاسیون» مدعی شد که وزارت کشور دولت خاتمی برای **ترورهای سیاه** نظریه پردازی کرده است. وی در مصاحبه با ایرنا در تاریخ ۳۰ دیماه ۱۳۸۸ ادعاهای خود را تکرار کرد و گفت:

«بستر را برای تئوریزه کردن خشونت و ترور فراهم کردن، جرم بزرگی است. شایسته است که قوه قضائیه بر همین اساس عملکرد وزیر و معاونان وقت وزارت کشور در دولت اصلاحات را به اتهام تدوین نقشه عملیاتی کودتای مخملی مورد رسیدگی قضایی قرار دهد، باید به ریشه ها پرداخت و به علت‌ها توجه کرد.»

<http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=909066>

جنایتکاران با تکیه بر ادعاهای فضلی نژاد که به منظور پاک کردن دست‌های خونین عاملان قتل‌ها صورت می‌گرفت، نقشه‌ی سوء‌قصد به خود او را ریختند تا مزد همکاری‌اش را کف دستش بگذارند.

برای همین سایت «صراط» به نیابت از سوی سوء‌قصدکنندگان و برای فریب افکار عمومی مدعی شد:

«این پژوهشگر ارشد موسسه کیهان تاکنون سلسله مقالات موثری در نقد ترورهای آکادمیک به رشته تحریر درآورده بود

که با واکنش خشمگینانه مخالفین خشونت مواجه شده بود.»

<http://www.seratnews.ir/fa/pages/?cid=2377>

معلوم نیست مقالات مزبور با « واکنش خشمگینانه مخالفین خشونت» مواجه شده بود یا موافقین آن؟! در ادعاهای کودتاجیان مانند دروغ‌هایشان هیچ منطقی نیست.

فضلی‌نژاد جدای از موضوع فوق یکی از متهمان پرونده ی شکایت از حسین شریعتمداری هم هست. او که از حمایت باند کیهان و بخش قدرتمند دستگاه قضایی برخوردار است اتهامات زشتی را در این روزنامه علیه خانم شیرین عبادی مطرح کرده بود که باعث شکایت او از شریعتمداری و فضلی نژاد شد. فضلی نژاد در آبان ماه ۸۸ در مورد برگزاری دادگاه مربوط به شکایت خانم عبادی گفت:

«شخصا مشتاق برگزاری این دادگاه هستم، چون روزی که در محضر قانون اسناد ارتباط عبادی با اروپا و آمریکا را فاش کنم و نشان دهم که وی در مظان **اتهام ارتداد** است، آن روز برای شیرین عبادی روز عزاست. این ما هستیم که نباید از حقمان بگذریم. اینکه زنی مثل شیرین عبادی **بباید علیه احکام مسلم اسلام و نصوص قطعی دین** تبلیغ کند، **بباید و در مشروعیت یک نظام مردمی تردید نماید و پروژه کودتای انتخاباتی** را پیش ببرد یا اینکه با راه انداختن **کمپین‌های زنانه جوانان و دختران ایرانی** را ترغیب به **فحشا** کند، این‌ها جرائمی نیست که نادیده گرفته شود. دیگر دوران مسامحه با ضدانقلاب گذشته است... من عبادی را متهم به جانبازی برای شاه‌خائن، **مبارزه با اسلام**، ارتباط با نه‌ادهای ضدانقلاب و محافل برانداز در اروپا و آمریکا، همکاری با سلطنت‌طلبان از جمله بنیاد اشرف پهلوی و **ارتباط با فواحش و...** کرده‌ام و پای حرفهایم ایستاده‌ام.»

<http://www.irna.ir/View/FullStory/?NewsId=765706>

پیام فضلی‌نژاد که در بازجویی از متهمان وبلاگ نویسی و فعالان عرصه مطبوعات ایران، آن‌ها را به «**سرانجامی مشابه مقتولان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای تهدید می‌کرد**»، عاقبت خود به دام

قاتلان و آمران قتل‌های زنجیره‌ای افتاد و موقتاً جان به در برد. تا کی دوباره نوبتش فرا رسد.
فضلی‌نژاد از سرنوشت صدها توایی که پیش از او قربانی ددمنشی این نظام شدند درس عبرت نگرفت و مانند بسیاری دیگر نخواهد گرفت. در بخش بعدی این نوشته به سرنوشت تعدادی از آن‌ها که می‌شناسم می‌پردازم.

فضلی‌نژاد کیست و چه کرده است؟

پیام فضلی‌نژاد متولد ۱۳۵۹، محله سالاریه شهر قم است. وی تازه هیجده ساله شده بود که به مصاحبه با آیت‌الله صانعی و در نوزده سالگی به گفتگو با موسوی تبریزی پرداخت و در ۲۱ سالگی مصاحبه طولانی با علی‌فلاحیان وزیر اطلاعات دور ان «سازندگی» داشت که بخش‌هایی از آن در گویا نیوز هم درج شد.
وی از ۱۳۷۶ روزنامه‌نگاری را با نوشتن در هفته‌نامه «سینماویدئو» آغاز کرد و سپس به هفته‌نامه «سینما» رفت و در سال ۱۳۸۰ به عضویت شورای سردبیری هفته‌نامه «سینما جهان» درآمد و تا توقیف این نشریه در بهمن همان سال، و زندانی شدن فضلی‌نژاد، کامبیز کاهه و سعید مستغاثی این همکاری ادامه یافت. دستگیری این عده پس‌لرزه‌های دستگیری سیامک پورزند بود که در آبان‌ماه همان سال دستگیر شده بود.

فضلی‌نژاد در دوران بازداشت کوتاه خود به خدمت دستگاه اطلاعاتی و امنیتی رژیم درآمد و کثیف‌ترین پروژه‌های رژیم در امر سرکوب آزادی بیان و مطبوعات را هدایت کرد. او پس از آزادی از زندان یک ماهه، دفتری با عنوان «موسسه مطالعات و پژوهش‌های کاربردی سینمای سوم» در میدان فاطمی باز کرد و برخی از روزنامه‌نگاران آزاد شده از جمله سعید مستغاثی، کامبیز راهی و منتقدین سینمایی از جمله علی‌علایی و ... به فرمان نیروهای قضایی و امنیتی راهی این دفتر شدند. بودجه این دفتر و حقوق نویسندگان از سوی دستگاه امنیتی پرداخت می‌شد. برنامه این دفتر تولید مطلب، راه‌اندازی سایت و مجله و جذب سایر نویسندگان و آلوده کردن آن‌ها بود. پس از احضار فریدون جیرانی به اداره اماکن، فضلی‌نژاد و همکارانش توانستند مجله «رویداد هفته» را در اختیار بگیرند و سپس اداره هفته‌نامه سینما را عهده‌دار شدند. هدف اصلی فضلی‌نژاد در «رویداد

هفته» نفوذ در شبکه وبلاگ‌های ایران بود. مطالب این مجله غالباً از وبلاگ‌های ایرانی و بدون اجازه آنها برداشته می‌شد.

سعید مطلبی یکی از فعالان عرصه اینترنت پس از خروج از کشور گفت:

«کاهه که زیر فشار شدید بازجویان برای همکاری قرار داشت، پس از مدتی تهران را ترک کرد و به مشهد رفت. اما مستغاثی، حتی به شهادت فضلی نژاد کاسه داغ تر از آش شده است»

فضلی نژاد پس از آن که به خدمت دستگاه امنیتی درآمد از اسفند 1380 به یکی از ستون نویس‌های سایت گویا تبدیل شد و تا سال ۱۳۸۲ به فعالیت در این سایت ادامه داد. وی در همین سایت بود که به حمایت از سعید مستغاثی دیگر عضو «مؤسسه» مزبور پرداخت و تلاش کرد برای وی حمایت جلب کند.

<http://news.gooya.com/culture/archives/000246.php>

در اسفند ۸۲ در حالی که پیام فضلی نژاد در کنار سعید مرتضوی پروژه‌ی سرکوب فعالین عرصه مطبوعات را طراحی می‌کرد جنایتکاران با انتشار اخبار جعلی سعی در سفید کردن وی داشتند:

«پیام فضلی نژاد عصر یکشنبه بازداشت شد. این نویسنده و بلاگر فرهنگی که آبانماه سال گذشته پس از یکماه بازداشت توسط اداره اماکن نیروی انتظامی (اطلاعات نیروی انتظامی) با وثیقه یکصد و پنجاه میلیون تومانی آزاد شده بود، عصر روز یکشنبه مجدداً بازداشت و به **مکان نامعلومی منتقل شد**. هنوز نیروی انتظامی مسئولیت بازداشت فضلی نژاد را نپذیرفته است و از دلایل بازداشت وی نیز اطلاعی در دست نیست.

نزدیکان فضلی نژاد اعتقاد دارند که بازداشت او به **سبب رویارویی‌ای است که او با بازجویانش داشته است**. از **دوماه پیش وی محل کار اجباری‌ای که اطلاعات نیروی انتظامی** برای نویسندگان و منتقدان سینمایی بازداشت شده در میدان فاطمی تهران فراهم کرده بود را ترک کرد و مواضعی منتقدانه و معترضانه در قبال سیاست ستاد ضد اصلاحات اتخاذ کرد. نیروی انتظامی برخ ی از منتقدان

سینمایی و روزنامه نگارن فرهنگی بازداشت شده را پس از آزادی مجبور به کار در محلی مشخص کرده بود و **فضلی نژاد** در هفته های گذشته قصد داشت **افشاگری وسیعی** پیرامون آنچه که پشت پرده دستگیری سیامک پورزند و دیگر فعالان فرهنگی و مطبوعاتی می نامید ، به راه اندازد. **فضلی نژاد** به نزدیکانش گفته بود که اطلاعات مستند و دقیق این افشاگری بخشی از بساط **محفل اطلاعات موازی را بر خواهد چید** و منجر به شفاف شدن چگونگی تزییقاتی می شود که در دو سال گذشته از سوی اطلاعات نیروی انتظامی بر هنرمندان و فرهنگمردان و روزنامه نگاران رفته است.

پیام فضلی نژاد در حالی بازداشت شد **که در نامه های خصوصی به برخی روشنفکران و نویسندگان** توضیح داده بود که محفل اطلاعات موازی چگونه **با شکنجه ها و آزارهای روحی و روانی و جسمی** توانست عده ای را مجبور به همکاری با خود کند . در این نامه ها مشخصات کامل گردانندگان محفل اطلاعات موازی ، روش های جذب همکاری آنان ، کیفیت همکاری های انجام شده تا به امروز و نام کامل نویسندگان، روزنامه نگاران و خبرنگارانی که تحت شرایط مستمر دشوار روحی مجبور به همکاری با اطلاعات موازی شده اند ، آمده است. »

<http://www.chebayadkard.org/chebayadkard/sokhan/20040224/20040224-b.htm>

سینا مطلبی یکی از نویسندگان حوزه اینترنت پس از خروج از کشور، ادعا کرد در زمان بازداشتش در ایران خانواده اش از سوی فضلی نژاد مورد فشار قرار گرفته اند تا در مورد او مصاحبه ای انجام ندهند. اعلام این مطلب باعث دستگیری سعید مطلبی پدر این نویسنده در ایران شد.

فضلی نژاد که پیش از دستگیری فعالیت هایش صرفاً سینمایی بود بعد از دستگیری به فعالیت های سیاسی روی آورده ! و به «جریان شناسی فرهنگی و سیاسی» پرداخت.

با شروع دور دوم دستگیری وبلاگ نویسان در ایران در سال ۸۳، پیام فضلی نژاد به عنوان مشاور سعید مرتضوی جلاد مطبوعات ایران

مطرح و تصاویر او بیرون دادگاه و در حال توجیه ها سوژه ها در خبرگزاری‌ها منتشر شد.

سایت امروز، ارگان جبهه مشارکت و اصلاح طلبان درون حاکمیت در گزارشی مراحل و جزئیات یورش قوه قضائیه به فعالین سایت های اینترنتی را افشا لُود؛ در افشاگری مزبور از جمله آمده بود:

«در آنجا شخصی که خود را نماینده ویژه قاضی مرتضوی می‌نامد به عنوان بازجوی فنی پرونده، **متهمان را بازجویی می‌کند**. این شخص که از متهمان بعدی پرونده نیز بازجویی کرد (**آقای پیام فضلی نژاد**) متهمان را به **سرانجامی مشابه مقتولان پرونده قتل‌های چیره‌ای** تهدید می‌کرد تا با ایجاد ارباب در متهمان همکاری بازداشت شدگان را جلب کند.»

<http://sibestaan.malakut.org/archives/002708print.html>

وبلاگ نویسان بازداشت شده در این پروژه، پس از آزادی از زندان در مورد فشارها و شکنجه‌هایی که از طرف شخص فضلی نژاد با عنوان معاون دادستان در مورد آنان اعمال شده بود، صحبت کردند

فضلی نژاد از نیمه سال ۸۱ در کلاس‌های درس علیرضا پناهیان از رهبران انصار حزب الله و عامل حمله به مردم و اجتماعات و حسن رحیم‌پور ازغدی، از بازجویان اوین شرکت کرد.

در آبان ۱۳۸۵، پیام فضلی نژاد توسط حسن شایانفر از مسئولان سابق بخش فرهنگی زندان قزلحصار و مسئول «نیمه پنهان» کیهان کشف شد و به عنوان پژوهشگر به «مرکز پژوهش‌های موسسه کیهان» برده شد و تحت آموزش احمد اللهیاری یکی از نویسندگان قدیمی کیهان که به خاطر اعتیاد شدید به خدمت حسین شریعتمداری درآمده بود قرار گرفت. مقالات فضلی نژاد تا نیمه سال ۱۳۸۶ با نام مستعار «پدرام ملک بهار» منتشر می‌شد تا آن که در اثر افشاگری‌هایی که صورت گرفت شریعتمدار داری خود مجبور شد به صحنه بیاید و هویت نویسنده را فاش کند.

«آقای پیام فضلی نژاد، نویسنده کتاب [شوالیه‌های ناتوی فرهنگی] از یکسال و چند ماه قبل به جمع ما در کیهان پیوست. پیش از آن در جبهه دیگری بود و نامش آشنا... وقتی به کیهان آمد، خسته بود و چند سالی را که در آن سو

بوده‌است، بر باد رفته می‌دید و در این آرزو که با واگویه
ماجراهای آن سو، تابلوی عبرتی پیش روی جوانان کشور
بگشاید و هویت واقعی افراد و گروه‌هایی را که نقاب فریب بر
چهره زده‌اند بنمایاند تا در پی آب به سوی سراب نروند و
تشنه در برهوت بی‌هویتی غرب سرگردان نشوند. پیام،
جوانی است پرنشاط، سخت‌کوش، فداکار و باهوش... از این
که در زلال معرفت امام (ره) چشم‌ها شسته و خود را به
چشمه حیات آفرین آقا رسانده است، پیشانی شکر بر خاک
می‌ساید و... خدایش در این راه یاری فرماید.»

در پایان بهمن 1386 کتاب «شوالیه‌های ناتوی فرهنگی» نوشته
فضلی‌نژاد که پیشتر به عنوان پاورقی در کنیهان انتشار یافته بود در
368 صفحه از سوی انتشارات کیهان روانه بازار کتاب شد.
وی از سال 1386 تا سال 1388 بیش از هفتاد سخنرانی ایراد کرده
است که عنوان بخشی از سخنرانی‌های وی به شرح زیر است.
«مرگ گفتمان اصلاحات در ایران» (8 جلسه)، «کودتای ایدئولوژیک
اصلاح‌طلبان» (10 جلسه)، «ارتجاع روشنفکری در عصر پهلوی و عصر
اصلاحات» (7 جلسه)، «فاشیسم سکولار، علم سکولار» (5
جلسه)، «معنا و مبنای کودتای مخملی» (10 جلسه)، «چه کسانی
کثیف‌تر از جاسوس هستند؟» (3 جلسه) و...»

فضلی‌نژاد همچنین به همکاری با مرکز پژوهش‌های استراتژیک
سپاه پرداخت و بر روی شناسایی و جاسوسی در عرصه‌ی اینترنت و
رسانه‌ها که مورد توجه سپاه است کار می‌کند. طبق اخبار انتشار
یافته وی به همراه حسین درخشان که او نیز از داخل زندان به
خدمت مقامات امنیتی درآمده، به «ارتش سایبری» سپاه پیوستند.
هدف «ارتش سایبری» ایجاد و توسعه‌ی وحشت در فضای اینترنت
است تا افراد به خودسانسوری و هراس از پیگیری حقوقی دچار
شوند.

نفوذ او در دستگاه سرکوب چنان بود که در اردیبهشت سال
۸۷ مدعی شد امیرفرشاد ابراهیمی، مهرانگیز کار، هوشنگ اسدی و
نوشابه امیری با وی تماس گرفته و خواهان مشخص شدن
وضعیت‌شان شده‌اند:

«امیر فرشاد ابراهیمی، مهرانگیز کار و ... تماس گرفتند و
تمایل نشان دادند که راهکاری اجرایی، همراه مصونیت
نسبی تدوین گردد. من هم استقبال کردم. حتی پیش از این

هوشنگ اسدی (سردبیر سابق گزارش فیلم و همکاری کنونی بی بی سی) که عضو شورای سردبیری سایت روز آن لاین است ، ایمیلی به من زد که من و نوشابه امیری (همسرش) ما لیم به ایران برگردیم و می خواهیم بدانیم مشکل نهادهای قضایی و امنیتی با ما چیست؟»

<http://fazlinejad.ir/PictureDetail.aspx?id=7>

در هر صورت موضوع سوء قصد به جان پیام فضلی نژاد و هیاهوی بعد از آن، تلاشی است از سوی سپاه ترین باندهای رژیم برای «مظلوم نمایی» و متهم کردن رقیبان شان در حاکمیت.

ایرج مصداقی

۴ اسفند ۱۳۸۸

Irajmesdaghi@yahoo.com

www.Irajmesdaghi.com

پانویس:

۱- دادگاه با شکایت مستدل و حقوقی وکلای شاکیان این پرونده از جمله عمادالدین باقی، شادی صدر، شیرین عبادی و رحیم مشایبی آغاز شد و شریعتمداری از ساعت 10 تا 12 و نیم به جای دفاع حقوقی از خود که گویا برای اینکار آمادگی لازم را نداشت در یک سناریوی از پیش طراحی شده، به بازخوانی تاریخچه گروه جنرال و پیشینه هوشنگ امیراحمدی و مواردی از این دست پرداخت.

هرچند وکلای شاکیان بارها در طول دادگاه به خروج شریعتمداری از مبحث اصلی اعتراض کردند، اما سیامک مدیر خراسانی قاضی دادگاه اجازه داد که شریعتمداری به بیان سخنان از پیش آماده شده خود بپردازد و روند دادگاه را مختل کند. سیاست طراحی شده از سوی قاضی و متهم تا ب دانجا ادامه پیدا کرد که به دلیل خستگی قاضی و هیات منصفه از این سخنرانی، دادگاه به زمان دیگری موکول شد تا بلکه شریعتمداری در آن دادگاه به دفاع از اتهامات خود بپردازد.

دادگاهی که برگزار شد ابتدا قرار بود در روز چهارم مردادماه برگزار شود . اما همان روز شریعتمداری به علت بیماری خواستار تعویق دادگاه شد . با وجود اعتراض شدید وکلای شاکیان سیامک مدیر خراسانی قاضی پرونده با آن موافقت کرد . سپس قرار دادگاه برای 8 شهریور ماه تعیین شد . اما این جلسه هم بنا به درخواست مدیر کیهان برگزار نشد . سرانجام 19 مهر ماه حسین شریعتمداری برای اولین بار در دادگاه و مقابل 40 شاکی دولتی و خصوصی حاضر شد . اما جلسه دادگاه به علت طولانی شدن قرائت شکایت ها به دستور قاضی خاتمه یافت و رسیدگی به وقت دیگری موکول شد . ۱۰ آبان ماه جلسه دادگاه به علت آنکه هیات منصفه از مفاد پرونده اطلاعی نداشتند برگزار نشد . وکلای عمادالدین باقی، شادی صدر و شیرین عبادی نسبت به وضعیت برگزاری این دادگاه اعتراض کردند.

۲- خامنه‌ای این لقب را به او داده است.

